

جای خالی این 157 نفر

«اعتماد» نام شماری از استادان اخراجی و محروم از تدریس در دولتهای نهم، دهم، دوازدهم و سیزدهم را منتشر می‌کند

از سال 1385 تا پایان مرداد امسال، صدها استاد دانشگاه به دلیل انتقاد و نگاه مخالف با خواسته‌های دولتها حکم اخراج، بازنشستگی اجباری و ممنوعیت موقت یا دائم از تدریس گرفته‌اند

بنفشه سام‌گیس

اواخر سال 1391، چند روز پیش از برگزاری ششمین دوره انتخابات نظام پزشکی، زمانی که فهرست ردصلاحیت شده‌ها منتشر و معلوم شد اغلب چهره‌های منسوب به اصلاح‌طلبان، در گزینش سیاسی و با حکم نهادهای نظارتی، از حضور در انتخابات منع شده‌اند، یکی از جراحان معروف که عضو هیات علمی یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور بود، برایم خاطره‌ای تعریف کرد: «من در دوران دانشجویی از طرفداران آقای هاشمی‌رفسنجانی بودم، در جلسات تحکیم وحدت شرکت می‌کردم و پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری سال 1376، به عنوان یک شهروند مستقل برای آقای خاتمی تبلیغ می‌کردم. اواخر سال 1388، وقتی کامران دانشجو مسوولیت وزارت علوم را در دست داشت، من در دانشگاه علوم پزشکی

[...]. معاون آموزشی بودم. در جلسه‌ای که وزرای علوم و بهداشت حضور داشتند و معاونان دانشگاه‌ها هم دعوت شده بودند، آقای دانشجو به من گفت ما از سابقه فعالیت‌های سیاسی و نظرهای شما با خبریم. اگر از هواداری آقای هاشمی اعلام برائت نکنید، شاید مجبور به تصمیم دیگری باشیم که این تصمیم هم چندان به نفع شما نیست. من به آقای دانشجو گفتم به نظر می‌رسد وزیر محترم بهداشت باید در این باره تصمیم بگیرند، چون مسوولیت دانشگاه‌های علوم پزشکی با ایشان است. آقای دانشجو در جواب من گفت، وقتی پای منافع دولت به میان بیاید، مرزبندی مسوولیت‌ها معنایی ندارد... چند هفته بعد از این گفت و شنود، بنده با حکم ریاست دانشگاه از معاونت عزل شدم.»

دو دهه حذف به جای مدارا

اولین قدم‌ها برای پاکسازی دانشگاه‌های کشور از نیمه دوم سال 1384 آغاز شد؛ چند هفته بعد از آغاز فعالیت دولت نهم. پاییز 1384، محمدمهدی زاهدی (وزیر علوم در دولت نهم) صدرالدین شریعتی را به ریاست دانشگاه علامه طباطبائی منصوب کرد و ریاست دانشگاه تربیت مدرس را به فرهاد دانشجو که از دوستان قدیم رییس کابینه نهم بود سپرد و عباسعلی عمیدزنجانی؛ فارغ‌التحصیل مدرسه علمیه حجتیه را بر صندلی ریاست دانشگاه تهران نشاند (نیمه زمستان 1386، فرهاد رهبر به جای عمیدزنجانی به ریاست دانشگاه تهران منصوب شد). پایان مهر 1384 محمود احمدی‌نژاد در دیدار با استادان بسیجی دانشگاه‌های کشور، این استادان را خطاب پیام خود قرار داد و گفت: «... بخش مهمی از فعالیت شما، انتقال فرهنگ انقلاب است. باید فضای دانشگاه‌ها به غایت انقلابی و آرمانی باشد تا پیشرفت و جهش علمی در کشور رخ دهد. تحولات بزرگ را در این فضا می‌توان زمینه‌سازی کرد. ملت با تصمیم قاطع خود، گفتمان غالب در فضای عمومی کشور را تغییر داد و از گفتمان سکولار به گفتمان عدالت برگرداند. ریشه بسیاری از مشکلات دانشگاه‌ها مبانی علمی دارد. نظام آموزشی و نوع نگاهی که به تولید علم حاکم است، باید عوض شود. دانشگاه‌ها باید پاسخگویی نیازهای جامعه باشد. بسیج می‌تواند این موضوع را در متن جامعه جاری کند.»

پروژه حذف استادان منتقد از دانشگاه‌ها، کمی بعد از این حرف‌ها شروع شد؛ از خرداد 1385 و با صدور حکم بازنشستگی همزمان 10 استاد و عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران؛ دکتر حسنعلی درودیان، دکتر محمد آشوری، دکتر رضا رییس طوسی، دکتر احمد ساعی، دکتر حسین صفایی و... اولین «بازنشسته‌سازی»، تجمع دانشجویان دانشکده حقوق را به دنبال داشت که معاون دانشجویی دانشگاه تهران،

در جواب دانشجویان معترضی که در تقدیر از استادان اخراج شده‌شان، سرود «یار دبستانی من» می‌خواندند، گفت: «حکم بازنشستگی استادان دانشکده حقوق، طبق قانون صادر شده، زیرا براساس قانون، دانشگاه مکلف است تا استادانی که به سن 65 سال می‌رسند را بازنشسته کند. موضوع، گزینش فردی خاص نبوده بلکه هدف اجرای قانون بوده تا امکان به کارگیری و استخدام نیروهای جدید در دانشگاه فراهم شود.»

در ابتدا، همه اتفاقات، پوششی ساده داشت و همه چیز، قابل باور بود. حتی وقتی دکتر احمد ساعی که بعد از 23 سال تدریس و ادار به بازنشستگی شده بود، به خبرگزاری ایسنا گفت که حکم بازنشستگی‌اش، «تکبرگه‌ای» بوده که از صندوق پستی دانشگاه برداشته هم، هیچ کسی ظن نبرد که صدور حکم بازنشستگی همزمان برای 10 استاد، قله کوه یخ «حذف» و صفحه اول از پروژه‌ای است که قرار است تا 6 سال درازا داشته باشد... محمود احمدی‌نژاد، نیمه شهریور 1385 و در دومین سال ریاست‌جمهوری، خطاب به روسای دانشگاه‌ها اعلام کرد: «نظام آموزش ما 150 سال است که متاثر از نظام سکولار بوده و استعمار نیز به دنبال تعمیم نظام مورد نظر خود است. تغییر این فضا زحمت دارد و پیچیده است، اما کار شروع شده است. دانشجوی امروز باید در دانشگاه بر سر رییس‌جمهوری فریاد بزند که چرا استاد لیبرال و سکولار در دانشگاه‌ها وجود دارد. دانشجوی امروز باید علیه فرهنگ لیبرالی فریاد بزند نه اینکه به عنوان مثال برای کیفیت غذا یا کم بودن عدس، فریاد کند.»

نیمه اسفند 1388، کامران دانشجو؛ وزیر علوم دولت دهم، تکالیف جدیدی برای مسوولان استانی مرکز جذب اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها تعیین کرد: «اساتیدی باید جذب هیات علمی شوند که قائل به مسیری باشند که مردم در 9 دی و 22 بهمن ترسیم کرده‌اند. باید اساتیدی در دانشگاه‌ها تدریس کنند که هم متخصص باشند، هم به نظام اسلامی و عمود خیمه آن یعنی ولایت فقیه اعتقاد و التزام عملی داشته باشند. وظیفه دانشگاه‌ها کادرسازی برای نظام جمهوری اسلامی است. باید افرادی به عنوان عضو هیات علمی فعالیت کنند که جهان‌بینی اسلامی داشته باشند و با این دیدگاه به تربیت دانشجو بپردازند. دانشگاه‌های کشور به اساتیدی نیاز دارند که در دانشگاه کادرسازی کنند تا جمهوری اسلامی ایران پابرجا و پیروز بماند. فرهیختگی به معنای احترام به قانون و مقدسات است. متأسفانه عده‌ای پس از انتخابات به دنبال تضعیف ولایت‌پذیری جوانان در جامعه رفته بودند و می‌خواستند ولایت‌پذیری ملت ایران را زیر سوال ببرند. شفاف و واضح می‌گویم افرادی مورد نیاز ما در دانشگاه‌ها هستند که التزام عملی

به اسلام و ولایت فقیه داشته باشند. به مدرسینی نیاز داریم که دانشجویان را به عنوان پیاده نظام حزب خود دانسته و در مسیر ولایت و دین حرکت دهند. قاطبه دانشگاهیان کشور با مسیر انقلاب همسو هستند و هر کسی نتواند در این مسیر حرکت کند بدون تعارف باید از جمع برود. به میزان مورد نیاز، افراد دلسوز در وزارت علوم داریم که بخواهیم افراد غیرهمسو از بدنه را خارج کنیم و از این اقدام خود شرمنده نخواهیم بود. تخصص‌های علمی در دانشگاه‌ها توأمان با دین خواهد بود و تعداد انگشت‌شماری که علیه نظام و مقدسات اسلام شعار می‌دهند به عدد انگشتان دست هم نخواهند رسید که با این افراد برخورد قاطعی خواهیم کرد. روسای دانشگاه‌ها هم حق ندارند کسی را در دانشگاه‌ها جذب کنند که در مسیر التزام عملی به ولایت فقیه و قانون اساسی حرکت نمی‌کند. وزارت علوم هیچ مماشاتی با حزب و گروهی در این زمینه نخواهد داشت و با مبلغین فرهنگ غربی و سلطنت‌طلبانه در دانشگاه‌ها برخورد می‌کند.»

از نیمه سال 1384 تا آخرین سال فعالیت دولت دهم، پررنگ‌ترین اتهامی که به اخراج صدها استاد منتقد از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی منجر شد، «نگرش سکولار» بود؛ اتهامی که نیازی به اثبات و سند نداشت و تلقی و گمان مسوولان دانشگاه‌ها برای قطعیتش کفایت می‌کرد، اما دلیل موجهی برای حذف چهره منتسب به تفکرات ضد دینی محسوب می‌شد. به مدت 7 سال، روسای دانشگاه‌ها برای توجیه حذف استادان مرجع اما منتقد و متهم به ترویج سکولاریسم، به دلایلی همچون «اتمام قرارداد همکاری دانشگاه، فرا رسیدن موعد بازنشستگی استاد، رکود علمی، اشتغال همزمان در دانشگاه دولتی و دانشگاه غیردولتی، رفتار و کردار غیراخلاقی یا خلاف قانون و در ضدیت با نظام، مازاد بودن نیرو» متوسل شدند و امروز در سابقه اخبار آموزشی مربوط به دولت‌های نهم و دهم، فقط يك خبر، پروژه دولت‌های «احمدی‌نژاد» برای حذف استادان منتقد از طریق «اتهام‌سازی و برجسب سکولاریسم» را تایید می‌کند؛ مهر 1389، کریم زارع، عضو هیات امنای دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر از شناسایی و اخراج چند عضو هیات علمی این دانشگاه خبر داد و گفت: «نگرش‌های سکولاریستی‌شان مسجل شده بود. درباره‌شان گزارش‌هایی رسیده بود. تذکر دادیم، وقتی با تذکر اصلاح نشدند، عذرشان را خواستیم.»

سال 1390، پروژه تصفیه دانشگاه‌ها به فصل پایانی رسید. نیمه تیر 1390، وقتی افت کیفیت آموزشی به دنبال بازنشستگی اجباری و اخراج صدها استاد، نمایندگان اصولگرای مجلس را هم به اعتراض و تهدید به

استیضاح وزیر علوم واداشته بود، رییس کابینه در نامه‌ای به وزیر بهداشت (مرضیه وحیددستجردی) و وزیر علوم (کامران دانشجو) نوشت: «شنیده شده است که اساتید بیرویه بازنشسته میشوند. ضروری است تا بررسی و تصویب آیین‌نامه بازنشستگی اعضای هیات علمی در شورای عالی انقلاب فرهنگی، از هر نوع بازنشسته نمودن اعضا خودداری شود. شنیده شده است که در برخی دانشگاه‌ها، رشته‌ها و کلاس‌های تک جنسیتی بدون لحاظ تبعات اعمال میشود. ضروری است فوری از این اقدامات سطحی و غیرعالمانه جلوگیری شود. در هر دو مورد نتیجه را اعلام نمایید.» احمدی‌نژاد، در حالی این درخواست را مطرح کرد که ادبیات اولین روزهای حضورش در ساختمان پاستور و تاکید بر ضرورت پاکسازی دانشگاه‌ها از استادان سکولار و لیبرال، با گذشت 6 سال همچنان در گوش جامعه دانشگاهی کشور و استادان اخراجی و دانشجویان ستاره‌دار زنگ می‌زد. دو هفته بعد از این درخواست، در جلسه 693 شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصمیم درباره بازنشستگی استادان دانشگاه‌ها به وزرای بهداشت و علوم واگذار شد تا «از اعمال سلیقه در خصوص بازنشستگی اساتید دانشگاه‌ها» جلوگیری شود. پیش از این تصمیم جدید، مسوولیت امضای حکم بازنشستگی استادان، بر عهده روسای دانشگاه‌ها بود. اسفند همین سال، قانون بازنشستگی استادان با موکد شدن «ممنوعیت بازنشستگی زودهنگام و پیش از موعد استادان و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها» اصلاح شد و سن بازنشستگی، برای استادان به 70 سالگی، برای دانشیاران به 67 سالگی و برای استادیاران به 65 سالگی افزایش یافت و تمدید مجوز تدریس تا 2 الی 3 سال بعد از سن بازنشستگی یا تکمیل سابقه خدمت، به کسب امتیاز بالاتر از سقف امتیازات منوط شد.

صله رحم به شیوه بورسیه

تا آخرین ماه‌های فعالیت دولت دهم، جامعه دانشگاهی از واقعیت و هدف اصلی پروژه حذف «اتوبوسی» استادان بی‌خبر ماند. دی 1391 رضا عامری؛ سرپرست مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم از جذب 12 هزار عضو جدید هیات علمی در دانشگاه آزاد تا پایان سال 1392 خبر داد و گفت: «در برنامه سوم توسعه (1379 تا 1383) تعداد ردیف‌های استخدامی هیات علمی دانشگاه‌ها، 2 هزار نفر بود، این تعداد در برنامه چهارم توسعه (1384 تا 1388) به 2250 ردیف افزایش یافت و با 3 هزار ردیف مازادی که دولت در نظر گرفت، در طول اجرای برنامه چهارم توسعه که تا سال 1390 ادامه خواهد داشت، تعداد ردیف‌های استخدامی اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها به 6472 نفر افزایش یافته

است. در کل برنامه چهارم توسعه، تعداد افرادی که با سهمیه بورسیه به عنوان عضو هیات علمی در دانشگاه‌ها استخدام شدند 10 هزار و 602 نفر بود، اما برای سال 1390 و 6 ماه نخست سال 1391 که دو سال ابتدای اجرای برنامه پنجم توسعه محسوب می‌شود، تعداد سهمیه بورسیه بابت عضویت در هیات علمی دانشگاه‌ها، 7800 نفر است. همچنین، تعداد افرادی که در برنامه چهارم توسعه از طریق طرح سربازی به عضویت هیات علمی دانشگاه‌ها درآمدند، 1890 نفر بوده که برای سال 1390 و 6 ماه ابتدای سال 1391 این سهمیه هم به 2500 نفر افزایش یافته است.»

حرفه‌ای عامری، کلید حل چرایی اخراج گسترده استادان دانشگاه‌ها در فاصله پاییز 1384 تا زمستان 1390 بود؛ کابینه نهم و دهم می‌خواست با استفاده از قدرتی که به صورت قانونی به او اعطا شده، بیشترین نفع را به وابستگانش برساند؛ در حالی که از ابتدای دهه 1370 و به دنبال ضرورت کوچک‌سازی دولت، استخدام در دوایر دولتی و از جمله دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، محدود شده بود، کابینه نهم و دهم با حذف گزینشی و سلیقه‌ای اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، صندلی‌های خالی برای وابستگان خود فراهم کرد و در آخرین ماه‌های حیات دولت دهم، ضریب این منفعت‌رسانی به حداکثر رسید چنانکه تعداد بورسیه‌های جذب شده در دانشگاه‌های کشور فقط در طول 18 ماه آغازین برنامه پنجم توسعه، معادل 73 درصد تعداد بورسیه‌های جذب شده در تمام سال‌های برنامه چهارم توسعه بود. اما مهم این است که آخرین مراحل جذب بورسیه‌ها با ظرفیت حداکثری، در آخرین سال فعالیت دولت دهم انجام شد. بهار سال 1392 و در اثنای برگزاری مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم، وزارت علوم اعلام کرد: «از ابتدا تا انتهای فعالیت دولت دهم، حدود ۱۷۰۰۰ نفر عضو هیات علمی جدید و دانشجوی بورسیه دوره دکتری برای استخدام در دانشگاه‌ها پذیرش شدند.» پس‌لرزه‌های اقدامات وزارت علوم دولت‌های احمدی‌نژاد، تا نیمه سال 1392 ادامه داشت. تیر 1392، تصویر نامه‌ای با امضای صدرالدین شریعتی (رییس دانشگاه علامه طباطبایی) و با مضمون درخواست جذب 102 مربی و استادیار به عنوان اعضای جدید هیات علمی در این دانشگاه منتشر شد. طبق بند 1 مصوبه 608 شورای عالی انقلاب فرهنگی، استخدام مربی به عنوان عضو هیات علمی ممنوع بود، اما در نامه‌ای که شریعتی به دفتر وزیر علوم فرستاده بود 89 نفر از توصیه شده‌ها، مربی بودند. مهر 1392، تصویری از نامه هیات مرکزی جذب اعضای هیات علمی وزارت علوم منتشر شد که از اعطای بورسیه به فرزندان صدرالدین شریعتی خبر می‌داد؛ محتوای این نامه، تایید می‌کرد که روزهای

پایانی اسفند 1390 با درخواست «سید حسام‌الدین و نفیسه السادات شریعتی» موافقت و صلاحیت عمومی متقاضیان برای عضویت بورسیه وزارت علوم تایید شده است. شریعتی، سه روز بعد از مراسم تودیعش (شهریور 1392) در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس گفت: «من علیه غربزدگی، خرافات و جهل در دانشگاه علامه طباطبایی کودتا کردم. استاد مومن جذب کردم تا در کلاس درباره سکولار حرف نزنند.»

از جنسی دیگر

بزرگ‌ترین پروژه پاکسازی دانشگاه آزاد در دولت دوازدهم اتفاق افتاد؛ تیر 1396 فرهاد رهبر که در ستاد تبلیغاتی سید ابراهیم ریسی برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم فعالیت می‌کرد، به ریاست دانشگاه آزاد منصوب شد. رهبر، دو روز بعد از انتصاب به ریاست دانشگاه، 27 تیر 1396 و در اولین جلسه هیات ریسه دانشگاه آزاد اعلام کرد: «با جناح‌بندی و گروه‌بازی نمی‌توانیم دانشگاه را مدیریت کنیم و اگر بخواهیم این کار را انجام دهیم دانشگاه دچار مشکل خواهد شد بنابراین افراد از هر جناح می‌توانند در دانشگاه حضور پیدا کنند.» بهمن همان سال، 7 ماه بعد از آغاز ریاست رهبر در دانشگاه آزاد، قرارداد همکاری تمام استادان نیمه وقت و قرارداد یکساله 168 استاد تمام وقت واحد علوم و تحقیقات این دانشگاه لغو شد. یک ماه بعد از این اتفاق، خبرگزاری ایسنا، به نقل از یک مقام آگاه نوشت: «چند هفته از شروع کلاس‌های ترم جدید می‌گذرد و وضعیت تشکیل برخی کلاس‌های دانشکده‌های واحد علوم و تحقیقات در ابهام قرار دارد، چون اغلب استادان لغو قرارداد شده در دانشکده حقوق، الهیات، علوم سیاسی و فنی دانشگاه بوده‌اند.» به دنبال صحبت‌های این مقام آگاه، یکی از استادان اخراجی به خبرنگار ایسنا گفت: «آقای رهبر، در اجتماع بزرگ اساتید بسیجی دانشگاه آزاد گفته که مجوز هیات جذب مستقل را برای دو سال از شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها گرفته و اعلام کرده که دانشگاه آزاد آمادگی جذب بورسیه‌های مظلوم که پشت جذب وزارت علوم مانده‌اند (افرادی که در دو سال پایانی دولت دهم سهمیه بورسیه دریافت کرده بودند) را برای کل کشور دارد.» هفته اول اسفند، در حالی که سخنگوی دانشگاه آزاد، علت لغو یک‌باره قرارداد همکاری 200 استاد تمام وقت یا نیمه وقت واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد را به «مازاد بودن استادان» ربط داده بود، فرهاد رهبر در نشست معاونان فرهنگی دانشگاه آزاد در واکنش به موج اعتراضات بابت اخراج نیمی از استادان تمام وقت واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اعلام کرد: «استاد سر کلاس می‌رود

و هر اراجيفي ميخواهد ميگويد و اگر چيزي به او بگويم بعد اعلام ميشود و اسلاما آزادي در خطر است. هر كسي در اين قالب بخواهد خدشهاي به دين، قرآن و پيغمبر وارد كند لحظه‌اي آن را تحمل نمي‌كنيم. شمشير زبان امروز در كلاسهاي درس ما اعتقادات دانشجويان را قلع و قمع مي‌كند. با استفاده از بيان، هنر، پول، نمره، ايجاد شخصيت كاذب براي يك استاد و ايجاد كاريزمي واهي براي يك استاد قصد دارند اعتقادات و ايمان دانشجويان را تحت تاثير قرار دهند.» بعد از اين حرفها، كميسيون آموزش و تحقيقات مجلس رهبر را احضار كرد تا درباره علت تصميم به راه‌اندازي قطار اخراج استادان توضيح دهد.

نتيجه اين جلسه مشترك، خبرهاي بدتري بود؛ طبق خبري كه روز 21 اسفند 1396 در وبسایت روابط عمومي دانشگاه آزاد منتشر شد، نام 2800 استاد شاغل در واحدهاي مختلف دانشگاه آزاد در فهرست تعديلها و اخراجيها ثبت شده بود؛ استاداني كه قرار بود به اسم «طرح ساماندهي اعضاي هيات علمي دانشگاه آزاد» جاي خود را به افراي بدهند كه در دولت نهم و دهم، به برکت سهميه بورسيه، به دانشگاه رسیده بودند. 28 مرداد 1397، کمتر از 6 ماه بعد از جلسه مشترك رهبر و نمايندگان مجلس، اين خبر منتشر شد: «فرهاد رهبر با تصميم هيات امناي دانشگاه آزاد و به دنبال برگزاري يك جلسه فوري و فوق‌العاده با حضور علي‌اكبر ولايتي، از سمت خود بركنار شد.»

زندگي با چشمهاي بسته

نيمه شهريور 1400 و کمتر از يك ماه بعد از آغاز فعاليت كابينه سيزدهم، اولين خبر اخراج يك استاد دانشگاه منتشر شد؛ بيژن عبدالكريمي؛ استاد فلسفه دانشگاه آزاد، فارغ‌التحصيل دانشگاه تهران و از شاگردان رضا داوري‌اردكاني، احمد فرديد و عبدالكريم سروش. در متن حكم صادر شده براي اين استاد دانشگاه نوشته شده بود: «نامبرده فاقد صلاحيت جهت عضويت در هيات علمي دانشگاه آزاد اسلامي است.» اول بهمن 1400، به دنبال انتشار خبر اخراج محمد فاضلي (استاد جامعه‌شناسي دانشكده ادبيات و علوم انساني دانشگاه شهيد بهشتي) و آرش ابازري (استاد گروه فلسفه دانشگاه صنعتي شريف) معلوم شد فصل سوم پروژه حذف استادان منتقد آغاز شده اگرچه كه وزير علوم ترجيح داد تقابل با استادان را انكار كند. روز 5 بهمن، محمدعلي زلفي‌گل؛ وزير علوم، خطاب به جامعه دانشگاهي اعلام كرد: «دانشگاهها بايد استقلال خودشان را داشته باشند. روند جذب اعضاي هيات علمي و تبديل وضعيت آنها و ارتقاي هيات علمي آنها يك روش

علمي و سيستماتيک است که در هر دانشگاه انجام ميشود. ورود به استقلال دانشگاه‌ها شايد درست نباشد. بايد به استقلال دانشگاه احترام بگذاريم. موارد مربوط به دانشگاه‌ها را نبايد سياسي کنيم. گروه‌هاي آموزشي و هيأت‌هاي علمي جذب، حوزه اختيارات خود را دارند و بر اساس قواعد جاري و ساري خود تصميم‌گيري مي‌کنند. در دانشگاه‌هاي ما تصميمات سياسي گرفته نخواهد شد. ما هم سعي کنيم اينها را سياسي نکنيم.» پايان بهمن 1400، رييس دانشگاه شهيد بهشتي در توضيح علت اخراج محمد فاضلي گفت: «دکتر فاضلي بارها تذکر گرفته‌اند که در دانشگاه حضور داشته باشند و در ضمن ايشان مقاله بين‌المللي قابل قبول نداشتند.» از پاييز پارسال و به دنبال جان باختن مهسا اميني (دختر 21 ساله سقزي که روز 25 شهريور، پس از دستگيري توسط نيروهاي گشت ارشاد در تهران و انتقال به بازداشتگاه وزرا، دچار مرگ مغزي شد) فضاي بيش از 140 دانشگاه کشور همچون فضاي بسياري از شهرها، به صحنه اعتراضات تبديل شد. تعدادي از استادان دانشگاه‌هاي کشور در حمايت از برخی مردم و دانشجويان معترض، از دولت خواستند به جاي تحميل «بايد»‌هاي برآمده از سليقه سياسي، شنونده صدای معترضان باشد. همراهي استادان دانشگاه‌ها با اعتراضات مردمی البته بهاي گزافي براي جامعه دانشگاهي و فرهيخته کشور داشت.

به دنبال فروکش کردن موج اعتراضات و از نيمه زمستان پارسال، برخورد با استادان منتقد با شکل ديگري آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد؛ واداشتن استادان به بازنشستگي اجباري (در حالي که سن استاد يا سابقه تدریس، هنوز به سقف قانوني نرسیده) تمديد نشدن قرارداد تدریس، اختصاص ندادن کلاس در ترم‌هاي تحصيلي بدون اطلاع قبلي، حذف کد استادي، انفصال موقت از تدریس و قطع حقوق ماهانه، رایج‌ترين شيوه حذف استادان طی يكسال اخير بوده علاوه بر اينکه در اين مدت، تعدادي از استادان هم احضار يا براي مدت موقت، بازداشت شده‌اند. در حالي که طی يكسال اخير، بيشترين احکام اخراج استادان، در دانشگاه‌هاي وابسته به وزارت علوم و دانشگاه آزاد و براي رشته‌هاي علوم انساني، فني و مهندسي و هنر صادر شده، مسوولان وزارت علوم، لابه‌لای سکوت‌هاي طولاني، دلايل غيرسياسي را به عنوان مقصر اصلي حذف اعضاي هيأت علمي دانشگاه‌ها معرفي کرده‌اند. به عنوان نمونه، مرتضي فرخي، معاون حقوقي وزارت علوم گفته که «اخراج اساتيد، نه به دليل مسائل سياسي، بلکه به دليل ناتواني علمي است.»

محمدعلي زلفي‌گل؛ وزير علوم هم اخراج استادان را به «رکود علمي»

ربط داده و از «آزادی اندیشه، اظهارنظر و تضارب آرا در چارچوب قوانین و مقررات» دفاع کرده است. رییس دانشگاه تهران هم در واکنش دیگری گفته که «برخی استادان از نیروهای حوالته‌تدریسی‌های دانشگاه تهران بودند که کیفیت لازم را نداشته‌اند و به تعهدات علمی خود عمل نکرده‌اند یا نیروی پیمانی بوده‌اند که قراردادشان تمدید نشده. ما برخورد سیاسی نکرده‌ایم و از نقد عالمانه استقبال می‌کنیم و اگر اساتید و دانشجویان به تعهدات حرفه‌ای، علمی و دانشجویی خود عمل کنند ولو اینکه منتقد ما، منتقد سیاست کشور و معترض باشند، هیچ وقت به صرف اعتراض با آنها برخورد نشده است.»

طبق هشدارهایی که در روزهای اخیر و از سوی برخی استادان دانشگاه‌ها به دنبال انتشار تصویری از يك نامه محرمانه در فضای مجازی و با مضمون «استخدام 15 هزار عضو هیات علمی همسو به جای استادان منتقد و معترض» مطرح شده، نگرانی از اقدام برای یکدست‌سازی فضای دانشگاه و جایگزینی «خواص خالص» به جای «اندیشمندان» دوباره شدت گرفته در حالی که تا امروز، هنوز محتوای این نامه از سوی مسوولان وزارت علوم تکذیب نشده است. با توجه به رخدادهای اخیر و در حالی که همچنان استادانی از دانشگاه‌های مختلف، از اخراج، قطع همکاری، تمدید نشدن قرارداد، قطع حقوق ماهانه و ممنوعیت تدریس خود خبر می‌دهند، به نظر می‌رسد با گذشت بیش از 10 سال از پایان دوره «احمدی‌نژادی‌ها»، قصه «بورسیه‌ای‌ها» هنوز ادامه دارد ولو که در این دور، نسلی جوان‌تر و با پوششی نوتر وارد میدان شده‌اند؛ ورود به دایره محدود «هیات علمی دانشگاه» به قیمت کنار گذاشتن استادانی که در همه این سال‌ها، نامشان، فخر و اعتبار این دایره جذاب بوده است.

توضیح يك خبرنگار

... سال 1369، اولین گروه دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز پذیرش شدند. مقرر شده بود برای این گروه، بهترین استادان تدریس کنند. استادانی همچون دکتر سید محمد دادگران، دکتر منصور وثوقی، دکتر بیژن نفیسی، دکتر محمد فرجاد، دکتر میر عبدالحسین نقیبزاده، شاگردان این استادان، ما بودیم. ما، اولین گروه دانشجویان رشته علوم اجتماعی و گرایش علوم ارتباطات دانشگاه آزاد بودیم که این فرصت را داشتیم پای صحبت‌های بهترین استادان رشته علوم انسانی بنشینیم. دیروز که فهرست اسامی استادان اخراجی و برکنار شده و معترض را تکمیل می‌کردم، نام استادانم؛ دکتر سید محمد دادگران، دکتر منصور وثوقی را هم به

85 استادی که در دولتهای نهم و دهم ، از تدریس در دانشگاه
اخراج، تعلیق ممنوعالتدریس، برکنار یا وادار به بازنشستگی
اجباری و زودهنگام شدند

مرتضی مردیها (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، حسین بشیریه (استاد دانشگاه تهران)، غلام حیدر ابراهیم بای سلامی (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)، حسن نمکدوست تهرانی (استاد روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبایی)، امیر ناصر کاتوزیان (استاد حقوق دانشگاه تهران)، محمد مجتهد شبستری (استاد دانشگاه تهران)، محمد ابراهیم باستانی پاریزی (استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران)، محسن کدیور (عضو هیات علمی و مدیرگروه فلسفه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس)، سعید جاریان (استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس)، جواد کاووسیان (عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم)، بهزاد شاهنده (استاد دانشگاه تهران)، محمد هادی سمی (عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، میرجلال‌الدین کزازی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، علی‌علی آبادی (عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران)، حسنعلی درودیان (عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، احمد ساعی (دانشیار دانشگاه تهران)، سید علی آزمایش (استادیار دانشگاه تهران)، محمد ستاری‌فر (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، محمدرضا ضیایی بیگدلی (رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی)، پرویز پیران (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، شیرین احمدنیا (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، شهلا اعزازی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، سعید معیدفر (دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران)، رحمت‌الله صدیق سروستانی (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران)، رضا داوری اردکانی (استاد فلسفه دانشگاه تهران)، روح‌الله عالمی (عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران)، غلامرضا ظریفیان (عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران)، فریدون وردی‌نژاد (استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران)، علی‌صادقی تهرانی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، لیدا فرخو (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، محمود ختایی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، بهروز هادی زنوز (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، محمد مهدی بهکیش (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، محمد ماکارچی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، مرتضی چینی چیان (استاد دانشگاه

علامه طباطبائي)، محمد ولي كيانمهر (استاد دانشگاه علامه طباطبائي)، شهرام سرميري (استاد دانشگاه علامه طباطبائي)، سيد حسين سيفزاده (استاد دانشكده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران)، محمد شريف (استاد حقوق دانشگاه علامه طباطبائي)، غلامعباس توسلي (رييس گروه جامعه‌شناسي دانشگاه تهران)، محمد محمدي گرگاني (استاد دانشگاه علامه طباطبائي)، حسين معصومي همداني (استاد دانشگاه صنعتي شريف)، سعيد مشيري (عضو هيات علمي دانشگاه علامه طباطبائي)، محمدرضا شفيعي كدکني (استاد دانشگاه تهران)، جمشيد ممتاز (استاد دانشگاه تهران)، محمد خوشچهره (عضو هيات علمي دانشگاه تهران)، حميدرضا برادران شرکا (عضو هيات علمي دانشگاه علامه طباطبائي)، ابوالفضل شكوري (مدیر گروه علوم سياسي دانشگاه تربيت مدرس)، سيد هاشم آقاجري (استاد دانشگاه تربيت مدرس)، حاتم قادري (استاد دانشگاه تربيت مدرس)، محمود سريع‌القلم (استاد دانشگاه شهيد بهشتي)، نورالدين زرین کلك (استاد دانشكده هنرهاي زيباي دانشگاه تهران)، محمد زاهدي‌اصل (استاد دانشگاه علامه طباطبائي)، ابوالفضل دلاوري (استاد دانشگاه علامه طباطبائي)، محمدحسين پناهي (استاد دانشگاه علامه طباطبائي)، حجت‌الله ميرزاوي (عضو هيات علمي دانشگاه علامه طباطبائي)، محمد معز اردلان (استاد دانشگاه تهران)، جواد فرهودي (استاد دانشگاه تهران)، سيد محسن حبيبي (استاد ريس پرديس هنرهاي زيباي دانشگاه تهران)، محمدحسين رفيعي (استاد پرديس علوم پايه دانشگاه تهران)، احمد مدرس (استاد دانشكده مديريت دانشگاه تهران)، سيد علي‌اصغر بهشتي‌شيرازي (استاد دانشگاه علم و صنعت)، تورج محمدي (رييس گروه مهندسي شيمي دانشگاه علم و صنعت)، تهمورث بشيريه (استاد دانشگاه تهران)، محسن رهامي (استاد دانشگاه تهران)، علي‌اکبر عرب‌مازار (استاد دانشگاه علامه طباطبائي)، منصور نيکخواه بهرامي (استاد دانشگاه تهران)، داريوش مظاهري (استاد دانشگاه تهران)، نجاتعلي الماسي (استاد دانشگاه تهران)، محمدعلي ميرزا بيگي (استاد دانشگاه تهران)، ثريا وحيد (استاد دانشگاه تهران)، زهرا اسماعيلي‌فرد (استاد دانشگاه تهران)، محسن نعمت‌گرگاني (استاد دانشگاه تهران)، ابوالفضل سهرابي (استاد دانشگاه تهران)، محمود صارمي (استاد دانشگاه تهران)، ايرج گلدوزيان (استاد حقوق دانشگاه تهران)، محمود عرفاني (استاد حقوق دانشگاه تهران)، ابوالقاسم گرجي (استاد دانشگاه تهران)، محمد آشوري (استاد حقوق دانشگاه تهران)، عزت‌الله عراقي (استاد دانشگاه تهران)، همايون الهي (استاد دانشگاه تهران)، سعيد ليلاز (استاد دانشگاه شهيد بهشتي)، رضا ريس طوسي (استاد دانشگاه تهران)، زهرا رهنورد (رييس دانشگاه الزهرا)

14 استادی که در دولت دوازدهم - 12 مرداد 1396 تا 12 مرداد 1400 - از تدریس در دانشگاه اخراج، تعلیق، ممنوع‌التدریس، برکنار یا وادار به بازنشستگی اجباری و زود هنگام شدند

مصطفی ازکیا (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد)، سید محمد دادگران (استاد علوم ارتباطات دانشگاه آزاد تهران)، باقر ساروخانی (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تهران)، منصور وثوقی (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تهران)، حوریه دهقان شاد (استاد علوم ارتباطات دانشگاه آزاد تهران)، رضا داوری اردکانی (استاد فلسفه دانشگاه آزاد تهران)، صادق زیبا کلام (استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، گودرز افتخار جهرمی (استاد حقوق دانشگاه آزاد تهران)، محمود علیزاده طباطبایی (استاد حقوق دانشگاه آزاد تهران)، محمد آشوری (استاد حقوق دانشگاه آزاد تهران)، سید حسین صفایی (استاد حقوق دانشگاه آزاد تهران)، رضا قاضی سعیدی (دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده فنی مهندسی دانشگاه آزاد تهران)، فائزه هاشمیرفسنجانی (استاد و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد پردیس) و فاطمه هاشمیرفسنجانی (مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران).

58 استادی که از ابتدای فعالیت دولت سیزدهم تا پایان مرداد 1402 از تدریس در دانشگاه اخراج، تعلیق، بازداشت، احضار یا وادار به بازنشستگی اجباری و زود هنگام شدند

علی سرزعی (استاد اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی)، محمد فاضلی (استاد جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی)، بیژن عبدالکریمی (دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد تهران)، ایرج مهرکی (استاد ادبیات دانشگاه آزاد کرج)، صادق زیباکلام (استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران)، محسن برهانی (استاد حقوق و عضو هیات علمی دانشگاه تهران)، رضا امیدی (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران)، علی شریفی‌زارچی (استاد و عضو هیات علمی دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف)، پانته‌آ واعظنیا (استاد گروه گرافیک دانشگاه الزهراء)، رحمت صادقی (رییس دانشگاه کردستان)، حجت پارسا (رییس دانشکده اقتصاد دانشگاه خلیج فارس)، بهروز چمن‌آرا (استادیار گروه زبان و ادبیات کردی

دانشگاه کردستان)، محمد راغب (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی)، نگار ذیلابی (استاد تاریخ و تمدن و عضو هیات علمی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی)، اسلام ناظمی (عضو هیات علمی دانشکده مهندسی و علوم کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی)، نیلوفر رضوی (استاد معماری و رییس کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید بهشتی)، حسین مصباحیان (عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران)، مهشید گوهری (استاد ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد)، امیر مازیار (استاد دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی دانشگاه هنر)، کوروش گلناری (استاد دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی دانشگاه هنر)، فرشاد عسگری‌کیا (استاد دانشکده هنر)، عمار آشوری (استاد دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران)، غلامرضا شهبازی (استاد رشته نمایش در دانشگاه‌های هنر و سوره)، شمسی عباسعلیزاده (عضو هیات علمی گروه زنان و زایمان دانشگاه علوم پزشکی تبریز)، امیر نیکی (استاد جامعه‌شناسی حقوقی و انسان‌شناسی حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)، حسن باقری‌نیا (عضو هیات علمی گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه حکیم سبزواری)، زهرا خشک‌جان (استادیار جامعه‌شناسی سیاسی در دانشگاه باهنر کرمان)، ابوالفضل شایان (مدیر گروه رشته تربیت‌بدنی دانشگاه جهرم)، سوسن صفاوردی (استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، علی‌اکبر امینی (استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، امیر ساجدی (استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، علیرضا رادمهر (استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، حسین تفضلی (استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، دی‌دخت صادقی (استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، محمدعلی خسروی (استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، ملک‌تاج خسروی (استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، بیژن نیری (استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران)، آرش ریسی‌نژاد (عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، آذین موحد (استاد دانشکده موسیقی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران)، غلام حیدر ابراهیم بای سلامی (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)، نعمت احمدی (استاد گروه تاریخ دانشگاه آزاد تهران)، آرش ابازری (استاد گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف)، رضا قاضی سعیدی (دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده فنی مهندسی دانشگاه آزاد تهران)، سوده حامد‌توسلی (عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد کرج)، کوشا گرجی‌صفت (استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)، راحله علیمرادزاده (عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران)، جواد عاطفه (نمایشنامه‌نویس، کارگردان و مدرس تئاتر)، محمدصدیق امیری

(استاد و عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه آزاد سنندج)، مهدی
مطهرنیا (استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد قم)، فرزاد سجودی (استاد
زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی دانشکده هنر دانشگاه تهران)، بهشید حسینی
(رییس دانشکده معماری دانشگاه هنر)، مهدی مطیع (استاد دانشکده
الهیات و معارف دانشگاه اصفهان)، محمد سلطانی (استاد دانشکده
الهیات و معارف دانشگاه اصفهان)، رهام افغانی خراسکانی (عضو هیات
علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی)، محمد مهدی
علوم (استاد جراحی دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید باهنر کرمان)
، بهارک اختردانش (استاد بخش داخلی دام‌های کوچک دانشگاه شهید
باهنر کرمان)، آرمین امیر (عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی
دانشگاه علامه طباطبائی) و مهدی خویی (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه
علامه طباطبائی)

م: ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰ 2 ۰۰۰۰۰۰۰۰ 1402 ۰۰۰۰۰۰۰۰